

هفت هنر

تبریک لی‌لی افشار به فرهادی

■ **شرق:** لی‌لی افشار نوازنده برجسته گیتار و استاد دانشگاه ممفیس در پیامی موفقیت فرهادی را در اسکار تبریک گفت. پیام افشار این است: «آقای فرهادی با رسیدن به صحنه جهانی و مقبولیت در این عرصه، پشتکار و هنر خود را به تمام دنیا نشان داد. این موفقیت برای کشور ما ایران بسیار مثبت است و تمام ایرانی‌ها باید به این مرد افتخار کنند.»

اسکار، نگاه به ایران را تلطیف می‌کند

■ **ابراهیم جمیلی** عضو اتاق بازرگانی ایران اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان را برای اولین‌بار نصیب ایران کند. این اتفاق برای تاریخ ایران بسیار مبارک است زیرا می‌تواند نگاه جهانیان را به ایرانیان که صلح‌طلب هستند، تغییر دهد. حتی می‌تواند تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران را تلطیف کند

با این حال دریافت اسکار پیامد چندان قابل توجهی برای اقتصاد ایران ندارد اما می‌تواند صنعت سینما را تا حدودی تحت‌تاثیر قرار دهد.

از این پس احتمال فروش و اکران فیلم‌های ایرانی در خارج از کشور افزایش می‌یابد و به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر از قبل ترجیح دهند تا در ساخت فیلم‌های ایرانی سرمایه‌گذاری کنند. تا پیش از این سرمایه‌گذاری فیلم‌ها به طور کامل برعهده سازندگان داخلی بود.

به نظر می‌رسید این اتفاق، صنعت سینما را در آینده با یک جهش همراه کند؛ چشمی که بی‌شک در کیفیت و تعداد فیلم‌های ساخت داخل قابل رویت خواهد بود.

کمی شاد می‌شویم

کمی هم بهر هوری بالا می‌رود

مهدی تقوی

■ ایران برای اولین‌بار صاحب اسکار شد با این حال دریغ از یک خط خبر در رسانه‌های دولتی. اما هرآنکه می‌خواست در جریان اخبار اسکار قرار گیرد، توانست. دریافت اسکار برای مردم ایران اتفاقی سرشار از شادی بود که تنها اثر اقتصادی آن، افزایش بهرهوری مردم ایران به دنبال شنیدن این خبر است.

من این روزها در حال ترجمه کتابی هستم که تحت‌تاثیر این خبر، با بهرهوری بیشتری این کار را انجام خواهم داد و بی‌شک سایرین نیز چنین احساسی خواهند داشت.

علاوه بر این دست‌اندرکاران صنعت سینما بیش از قبل تشویق خواهند شد فیلم‌های خود را با کیفیت بیشتری تولید کنند تا شاید آنها نیز در سال‌های آتی برنده جایزه دیگری باشند و افتخاری دیگر برای خود و ایرانیان بیافزینند.

نوید بهار به زمستان

احمدرضا درویش

■ بار دیگر نام ایران در جهان طنین‌انداز شد. این بار نه در رقابت‌های متعارف و نه در آوردگاه‌های سیاست که در عرصه خیال، در جایگاه کلمه و در صحنه سینما از «ایران» گفته شد، از راز ماندگاری‌اش و از فرهنگ و تمدنش.

اصغر فرهادی عزیز! تو با همتی ستودنی، لبخند و غرور را به مردم ایران پیشکش کردی و منادی آرمان‌های آنان در جهان شدی.

تو بهار را به زمستان نوید دادی و بذر امید در زمین توفان‌زده سینمای ایران پراکندی.

در توصیف این دستاورد بزرگ همان بس که رنگین‌کمانی به وسعت همه ایرانیان، بی‌مرز و بی‌جناح به آوازه نام و عزم بلندت می‌بالند.

به راستی مرور رویداد هشتم اسفند در تقویم تاریخ، برای آیندگان چه خواندنی است.

شهد دریافت نشان اسکار به کام همه ایرانیان گوارا و نام «اصغر فرهادی» بر تارک فرهنگ و هنر سرزمین‌مان جاواند باد.

پلی ساختیم برای رسیدن

■ چه شیرین به نگاه «فرهادی» قد کشیدیم. به بلندای فاصله خلیج همیشگی فارس تا آبی اقیانوس آرام. آن سوی خانه پدری از «جدایی» پلی ساختیم برای رسیدن. آنجا که هم «پیمان» شدید تا آبروی کوروش باشیم و تندیس طلایی را به پای نوداگاش درآفکنیم.

حالا جهانی مجنون «لیلا»ی ماست و من، چه عاشق، چه مغرور می‌خوانم:

«ی ایران سرای امید

بر بامت سیده‌دمید»

فد.ت. «هزارن»



سیاوش جمادی

فیلم «جدایی نادر از سیمین» پرده از چهره وضعیتی بر می‌دارد که هیچ کس در آن به دلخواه زندگی نمی‌کند. در این وضعیت عسرت و اضطراب مطلق بودن فضایل و ذایل اخلاقی درهم می‌شکند. آنچه مطلقا و فی‌نفسه بد یا خوب است، اعتبار خود را از دست می‌دهد. همه می‌دانند که دروغ و ریا بد است، اما تنها یک تن به امکان دروغ نگفتن امید دارد و او هم کسی است که چندان درگیر وضعیت نیست (ترمه). «جدایی نادر از سیمین» صادفانه ناگزیر دروغ را پیش چشم می‌نهد. در این وضعیت زندگی با صداقت پیش نمی‌رود. راست گفتن به بهای مرگ و زندگی تمام می‌شود. همه درگیر مسائلهای هستند مربوط به خود و خانه خود. شهر که خانه‌ها در آن قرار دارند حاضر و غایب است. آنچه آشکارا نشان داده می‌شود اشخاصی است و مسایل شخصی هر یک. اما آنچه مساله‌ها را به هم گره می‌زند

امری است افزون بر هر یک از مساله‌ها. می‌توانید نامش را جامعه بگذارید یا شهر یا شهرداری. اما این شهر خانه ما نیست.

جایی که هرکس به ناگزیر به بهای بودن یا نبودن در مساله خانه خود محسوس شده است، شهر غایب است. این غیاب در فیلم فرهادی حضوری شدید دارد. آنچه نشان داده می‌شود چیزی است که در فیلم نیست. شهر بر معنای مشارکت خانه‌ها، غایب است.

شهر خانه‌هایی است که ساکنان هر یک از آنها واحد اجتماعی بزرگ‌تر از خانه را جدی نمی‌گیرند و همین باعث می‌شد که از ارتباط خانه‌ها، ارتباط شهردارانه نباشد. در این شهر ارتباط هرکس با خانه دیگری صرفا برای حفظ خانه خویش است. هر خانه فایده‌ای چند بار دریای ملاظم که به قایق دیگر در می‌آویزد تا قایق خودش غرق نشود. زندگی به مساله «هرگ و زندگی» تبدیل می‌شود دروغ‌نگوی، قایقت سرنگون می‌شود.

کشورشان از درپچه فرهنگ شنیده شود.

■ **من از تلوزیون لیستان هشتم تبریک می‌گویم.** شما «در تاریکی» را شکست دادید. آیا اصلا این فیلم را تماشا کرده‌اید؟ بله، این فیلم را تماشا کردم. همچنین کارگردان این فیلم خیلی به من لطف دارد و من عاشق کارهای ایشان هستم. من به ایشان خیلی اعتقاد دارم، نه به دلیل فیلم‌شان بلکه به علت انسانیت ایشان. ایشان با وجود اینکه فیلمش رقیب فیلم من محسوب می‌شد به نفع فیلم من رای داده بود.

■ **می‌توانید به ما بگویید که واکنش رسمی دولت ایران به پیروزی شما چه بوده است و اینکه آنها به این موضوع چگونه واکنش نشان خواهند داد.**

من واقعا نمی‌دانم و نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که چه اتفاقی می‌افتد. بنابراین فقط صبر می‌کنم تا ببینم چه واکنشی از خود نشان خواهند داد. دولت ایران اصلا متحد نیست؛ زمانی که این فیلم کلندیا شد برخی از آنها شاد و حتی برخی هیچان‌زده بودند اما برخی اصلا شاد نبودند. البته برای من شادی مردم ایران اهمیت دارد.

■ **مساله تنش‌ها مخصوصا بر سر برنامه هسته‌ای بین ایران و آمریکا خیلی وخیم شده است. در حالی که شما سعی در ایجاد رابطه بین مردم و دولت را دارید، چه پیامی فیلم شما می‌تواند انتقال دهد؟**

چیزی که شما اشاره کردید، موضوعی است که بین دولت‌ها در جهان در حال رخ دادن است و من پیغامی در این خصوص برای دولت‌ها ندارم. چرا که معتقدم این فیلم با مردم ارتباط برقرار

ادب‌وهنر

حضور شدید از شدت غیاب

لازم نیست فیلم موعظه کند که «شهر ما خانه ماست» خانه‌ای بزرگ‌تر از خانه من و اهل بتم در کار نیست. هدف؟ نگهداشت خانه خود، نه مجازا بل واقعا شهر غایب است. شهرداری (Politic) به شهروند مربوط نیست. این جا حضوری دیگر در بیرون کادر از شدت غیاب از پرده به بیرون می‌زند. «جدایی نادر از سیمین» اساسا حدیث جدایی است. هنر فیلم در آنچه نشان می‌دهد نیست، در آن امری است که غایب است و از شدت غیبت حضوری غایب دارد.

در وضعیت اضطراری همه چیز سرباپی است اما به شدت درناک! اخلاق سرباپی است و تدین نیز. پس فی‌نفسه، وظیفه برای وظیفه، و ژست‌های حق به‌جانبانه حق‌شان در می‌رود. فیلم «جدایی» وضعیتی را نشان می‌دهد که زندگی اخلاقی در آن معطل می‌شود. تدبیر منزل از تدبیر شهر جدا می‌شود. شهر تکه می‌شود. انسان‌ها در بحران بود و نبود مجالی نمی‌یابند تا از

می‌کند و فکر نمی‌کنم که دولتی‌ها علاقه‌مند به سینما باشند.

بازتاب بهترین فیلم خارجی زبان در رسانه‌های خارجی زبان

برنده شدن جایزه اسکار همان طور که همه ایرانی‌ها را شاد کرد و تقریبا تیرت اصلی تمام روزنامه‌های کشور را تسخیر کرد در رسانه‌های کشورهای خارجی هم بازتاب وسیعی داشت. علاوه بر اعلام خبر این جایزه برخی از این رسانه‌ها گزارش‌هایی را از شادی مردم ایران نوشتند. سایت خبری slate در یک گزارش با تیتز «فیلم‌های آمریکایی در خانه خودشان شکست خوردند»، نوشت: در مراسم اسکار فیلم فرانسوی هنرپیشه جایزه‌بهترین فیلم را از انجمن جوایز آمریکایی دریافت کرد. اگر فیلم‌های آمریکایی حتی در کشور خودشان برنده نشوند چگونه می‌توان انتظار داشت که در کشورهای دیگر پذیرفته شوند؟ به عنوان مثال در مراسم سزار فرانسه «قوی سیاه» و «رئنده» تنها فیلم‌های خارجی بودند که نامزد دریافت جایزه شدند و البته فیلم جدایی نادر از سیمین همان طور که اسکار را برد در این مراسم هم اول شد. این در حالی است که جوایز امسال فیلم‌های آمریکایی غالبا جایزه‌ای دریافت نکردند. در پایان این گزارش دو راه برای برنده شدن سینمای آمریکا در مراسم بین‌المللی ارایه شده؛ یکی لابی کردن مراسمی مثل اسکار که به نظر بسیار دشوار می‌رسد و رامحل سخت‌تر اینکه فیلم‌های بهتری بسازیم. واگشتن پست در یک گزارش نوشت: جدایی نادر از سیمین در تهران شادی آفرید در این گزارش به رقابت بین فیلم جدایی و فیلم «بدادشت» رژیم صهیونیستی اشاره شده و نوشت: در شرایطی که سیاست

حواشی به متن برسند. متن در حواشی غیب می‌شود. گویی کسی دیگر غیر از خود شهروند شهرداری را گرفته است اما مساله ناممکن بودن دوام این جدایی در جامعه‌ای با ساخت و زیست مدرن است. جدایی شوهر از زن، جدایی پدر از دختر، جدایی همسایه از همسایه، شهروند از شهروند هم نوع از هم نوع، جدایی انسان از خودش! آنچه غایب است رابطهای ایجابی، رابطهای نه برای دست به سر کردن دیگری و خزیدن در خانه خود، بل رابطهای برای مشارکت است تا اصل مطلب مساله شود. فرهادی چنین وضعیتی را بدون بهره‌گیری از اقتدار موزیک و افه‌های احساس راگزینز چنان نشان داده است که یخ وجود تماشاگر را بشکند تا مگر خود را بهتر ببیند؛ بهتر از آنچه پیش از ورود به سالن می‌دید. بد این همه آنچه فیلم را ارزش می‌بخشد معنا و محتوای آن نیست. محتوای آن، بیرون از سالن بر همه جا پیش پای ماست. این چگونگی پرداخت محتوا از جمله فاصله‌گذاری دقیق است که به فیلم ارزش می‌بخشد؛ فاصله‌گذاری که نه تماشاگر را مدھوش و غرق در فیلم می‌کند، نه او را در برابر ماجرای ایزرکتیو و خشنی قرار می‌دهد.

فرهادی: امیدوارم تصویر دنیا از کشورم شفاف باشد

کشورهای مختلف با هم در جنگ هستند مردم این کشورها به تماشای فیلم‌ها نشستند. سینمای ایران تاکنون دهها هزار نفر اسراییلی را به سینما گشاده و فرهادی هم در سخنرانی‌اش هنگام دریافت این جایزه از صلح دوست بودن مردم ایران گفته است. همچنین سایت the iran science monitor نیز نوشت: برندگان جدایی دریافت این جایزه را جشن گرفتند. اولین جایزه اسکار در کارنامه سینمایی ایران توسط ایرانی‌ها در داخل و خارج از کشور جشن گرفته شد. این فیلم که با یک تم جهانی روابط آشفته طبقات اجتماعی را به تصویر می‌کشد با استفاده از یک ازواج اسکار شاد خورده موضوعات اخلاقی و ترک کشور را به نمایش می‌گذارد. ایرانی‌ها در حالی که مراسم اسکار به وقت محلی در نیمه شب برگزار می‌شد به تماشای آن نشستند و از شنیدن نام کشورشان برای اولین بار در مراسم اسکار شاد گشتند. سایت Haaretz بعد از مراسم، با کارگردان «بدادشت» رقیب اسراییلی ایران گفت‌وگو کرد. «یوید ماندیل» تهیه کننده بدادشت گفت: موفقیت جدایی کاملا قابل پیش‌بینی بود زیرا پیش از این جدایی بیشتر جوایز فیلم‌های خارجی را دریافت کرده بود و رسیدن تا این مرحله خودش یک موفقیت بزرگ است. لس آنجلس تایمز هم در یک گزارش از واکنش دریافت اسکار در کشورهای خارجی نوشت و از شادی کشورهای پاکستان، فرانسه و ایران از دریافت این جایزه یاد کرد. لس آنجلس تایمز نوشت: دریافت این جایزه واکنش‌های متعددی را در ایران بر انگیزت. برخی از ایرانی‌ها تمام شب را برای دیدن این مراسم بیدار ماندند و این جایزه تمام روزنامه‌های کشور را در بر گرفت.

علت تعلیق نشر چشمه

فارس: معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: معاونت فرهنگی، ناشری را که خواب عمل می‌کند تشویق و با ناشری که بد عمل کند (که تعدادشان هم کم است) برخورد سلبی می‌کند. بهمن درّی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره وضعیت «نشر چشمه» گفت: تا تکلیف مشخص نشود صحبت نمی‌کنم.

وزیر ارشاد: اسکار فرهادی ارزشمند است

ایسنا: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره موفقیت اخیر سینمای ایران در مراسم اسکار گفت: این موفقیت، موفقیت ارزشمندی بود، سیدمحمد حسینی ۹ اسفند در حاشیه امضای تفاهنامه بیمه‌ای بین وزارت ارشاد و بیمه ایران در جمع خبرنگاران درباره جایزه اسکار «جدایی نادر از سیمین» گفت: این حرکتی بود که ابتدا با صدور مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز شد. وی افزود: «جدایی نادر از سیمین» در جشنواره فیلم فجر به عنوان یکی از فیلم‌های برنده است. سیمیرغ را به خود اختصاص داد و خود این جوایز در معرفی این فیلم به مردم و جامعه موثر بوده؛ پس از آن نیز این فیلم در مجامع جهانی مورد توجه قرار گرفت و در نهایت هم دیدیم که در طول تاریخ سینمای ایران برای اولین بار شاهد این هستیم که فیلمی از کشورمان جایزه اسکار را به خود اختصاص داده است. حسینی در پاسخ به سوال دیگری درباره ادامه فعالیت‌های سازمان سینمایی در ساختمان وزارت ارشاد، عنوان کرد: بحث تشکیل سازمان سینمایی از ابتدای دولت دهم با جدیت دنبال می‌شد و در نهایت این سازمان تمام مراحل قانونی خود را طی کرده، در شورای‌عالی اداری تصویب شده، معاونت منابع انسانی تشکیل آن با مصوب کرده و در نهایت رییس آن نیز مشخص شده است. وی افزود: در واقع کار سازمان سینمایی پاسخ به سوالي درباره زمان اهدای هدایای رییس‌جمهور به خبرنگاران تصریح کرد: آقای رییس‌جمهور در آخرین جلسه هیات دولت به خبرنگاران به طور قطع اعلام کردند که هدایا در اسفندماه اهدا خواهد شد.

کشورهای جهان و تلاش برای احیای این ساز ایرانی شد و شاگردانی چون محمد فیروزی، حسین بهرپروزی‌نیا، علی پژوهشگر، نگار بوبان و شهرام غلامی را تربیت کرد. از تالیفات این استاد برجسته موسیقی می‌توان به «ششپه برپن‌نوزی»، «۴۲ قطعه برای عود» و «ردیف موسیقی دستگاه ایرانی برای عود» اشاره کرد. نریمان که توسط بسیاری از صاحب‌نظران موسیقی به عنوان پدر ساز عود شناخته می‌شود با نوشتن کتاب «ردیف موسیقی دستگاه ایرانی برای عود» به زعم خودش پایان دغدغه‌هایش درباره این ساز را اعلام کرد. تاکنون هشت نشست تخصصی از جمله بزرگداشت استادان برجسته موسیقی ایران و یادمان‌های گوناگون مانند هشتادمین روز تولد استاد فقید فرامرز پایور در فرهنگسرای ارسباران برگزار شده است.

آینه‌های رویه‌رو

نه چنانیم که می‌گویند...



احمد طالبی‌نژاد

■ درباره موفقیت‌های بی‌دری اصغر فرهادی و آخرین ساختارش یک جدایی در جشنواره‌ها و محافل جهانی، آنقدر گفته و نوشته شده که به نظر می‌رسد، حرف تازه‌ای باقی نمانده است به‌جز تبریک مجدد به فرهادی، دست‌اندرکاران فیلم و سینماگران و مردم سربلند ایران. اما اجازه بدهید، تبریک اصلی را به کیورتر پوراحمد بگویم که سال‌ها پیش هنگامی که نخستین فیلم اصغر فردهای «رقص در غبار» را دیده بود، جایی نوشت که فرهادی فیلمساز بزرگی خواهد شد. (نقل به مضمون) و حالا پیشگویی او با واقعیت پیوسته و ما با فیلمساز بزرگی به‌نام اصغر فرهادی رویه‌رویم که تنها با ساختن پنج فیلم، در رده سینماگران ایرانی و نام‌آور در عرصه‌های جهانی قرار گرفته، حتم دارم که فرهادی ظرفیت چندان جایگاهی را دارد و حتما خود را نخواهد باخت. او می‌داند که نخستین بار مردم ایران و هیات داوران جشنواره فجر بودند که «جدایی نادر از سیمین» را کشف کردند. از همه مهم‌تر جزو دو فیلم پرفروش سال بود. از آن پس در زمان نمایش عمومی بود که پرواز فیلم به پهنه آسمان جهان می‌گوزم. امید هستت ذهنیت‌های منفی کالم این مردم که به‌سار دیگر و این بار در عرصه فرهنگ و هنر احساس غرور می‌کنند تلخ نکنند. این جوایز بزرگ چنان که خود فرهادی هم گفته، متعلق به سینما و مردم ایران است. سینمای ایران سال‌هاست در عرصه‌های جهانی پرچم صلح و دوستی برافراشته و نام‌آورانی هم‌چون کیارستمی و فرهادی کوشیده‌اند تصویری آسانی از این ملت ارایه کنند. ملتی که بر اثر سوءتفاهم‌های سیاسی، تصویر مخدوشی در اذهان عمومی جهانیان دارد، باشد که با دیدن یک جدایی و اثری از این دست، دریابند که ما نه چنانیم که می‌گویند.

سر بلند بمانی

امیر آقابلی

■ این جایزه هیچ ربطی به کلیت سینمای ایران ندارد و فقط و فقط برای شخص اصغر فرهادی است و حالا به او می‌گویم که: اصغر فرهادی عزیز! سربلند بمانی که سربلندمان کردی در دنیا و آستین ما هنوز خیس از این غرور است.

جشن باشکوه



گلاب آدینه

■ یک دنیا درود و تبریک برای اصغر فرهادی عزیز و همکارانش در فیلم «جدایی». اگر می‌توانستیم، برای این موفقیت بزرگ، در سراسر ایران جشن باشکوهی برپا می‌کردم.

انگیزه‌ای برای ما

ویشکا آسایش

■ متأسفانه اجرای زنده برنامه اسکار را دست دادم و صبح زود از روی اینترنت قسمت مربوط به فیلم «جدایی» را تماشا کردم و از خوشحالی اشک ریختم. هرگز برای یک فیلم تا این حد احساساتی نشده بودم. این حس برایم حسنی تازه و منحصر به فرد بود. حسی آیمخته با اشک، خوشحالی و هرجان شدید. آنقدر که فعلا جز یک تبریک جانانه چیز دیگری نمی‌توانم بگویم. خوشحالم و ممنونم از همه عوامل فیلم «جدایی» مخصوصا «اصغر فرهادی عزیز» که با این فیلم انگیزه همه هنرمندان و کارگردان‌های ما را برای ساخت فیلم‌های تازه بیشتر از قبل کرد.

سینما را دست کم نگیریم

همایون اسعدیان

■ «اون نمی‌دونم من پسرشم، من که می‌تونم اون پدرمه!» حرف اصغر فرهادی در فیلمش در این جمله خلاصه شد. جمله‌ای به ظاهر ساده اما تکان‌دهنده؛ حرفی که در این زمانه درد مشترک همه ما در همه جای این کره خاکی است و اگر این فیلم تاکنون توانسته به این موفقیت‌ها دست یابد ناشی از همین درد مشترک است. چقدر ما انسان‌ها راحت همه کارهایمان را نتیجه می‌گیریم اگر چه خود می‌دانیم که این گونه نیست. بیش از ۵۵ جایزه بین‌المللی برای این فیلم به معنای ۵۵ لوح تقدیر یا خرس طلایی و این قبیل القاب نیست بلکه معنای بسیار فراتری دارد. خلاصه می‌گویم یعنی از طرف ۵۵ نهاد فرهنگی که خود را سوی دهان‌های فرهنگی دیگر حمایت می‌شود، مورد تقدیر قرار گرفته است و این به معنای ارتباط با جامع اصلی نخبگان و فرهیختگان روزگار ماست. یک دستگاه دیپلماتی فعال چه میزان و هزینه باید صرف می‌کرد تا به یک دم این ارتباط دست یابد؟ پس سینما را دست کم نگیریم. کم‌سلیقگی‌ها را کنار بگذاریم، دست از منافع تنگ‌نظرانه و روزمره بشوییم و همگی به با خیزیم. به اصغر فرهادی و سینمای ایران ادای احترام کنیم؛ به سینمایی که در ۳۲ سال گذشته بارها ثابت کرده است که می‌تواند بهترین سفیر فرهنگی ایران باشد.